بی‌ثباتی سیاسی، آزادی و رشد اقتصادی: شواهدی دیگر

یاکوب دهان و کلمنس ال.ج. زیمرمن – دانشگاه گرونینگن هلند

● مترجم: محمد زاهدی ـ عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور

مقدمه

مسئلهٔ تأثیر عوامل سیاسی و سازمانی بر نرخ رشد اقتصادی در متون اقتصادی مورد توجه فراوان بوده است. از زمان آدام اسمیت و حتی پیش از او ملاحظه شده است که عملکرد اقتصاد تا حدودی بستگی به عوامل سیاسی و نهادی دارد. با کمال تأسف تلاش در جهت کشف این که چگونه و تحت چه شرایطی اینگونه عوامل بر اقتصاد اثر می‌گذارد، بخش ناگفتهٔ داستان است.[1] تنها در این اواخر تلاشهای منسجم‌تری به‌منظور تحلیل اهمیت عوامل سیاسی و سازمانی در توصیف تفاوت رشد اقتصادی میان کشورهای مختلف صورت گرفته است. برای نمونه، بسیاری از محققان این مطلب را به بررسی گذاشته‌اند که آیا ویژگی دموکراتیك روش‌ها و نهادهای سیاسی ملی می‌تواند به توضیح تفاوت میان توسعهٔ ملی کشورها کمك کند یا نه. سیروی (L. Sirowy) و اینکلز (A. Inkeles) سیزده مطالعه از این قسم را مورد بررسی قرار داده‌اند. تمامی این مطالعات در پی ارزیابی نتایج اقتصادی حاصل از تفاوت ویژگی دموکراتیك رژیمهای سیاسی ملی بوده است. سیروی و اینکلز نتیجه‌گیری کرده‌اند که مطالعات مورد بررسی ایشان تصویری روشن از تأثیر دموکراسی بر رشد اقتصادی ارائه نمی‌دهد.[2]

ارتباط میان آزادی مدنی و سیاسی از یکسو و رشد اقتصادی از دیگر سو نیز موضوع مباحثات بسیار بوده است. دو فرضیه مورد اختلاف در زمینهٔ ارتباط میان رشد اقتصادی و آزادی سیاسی مطرح شده است. برخی اقتصاددانان ادعا می‌کنند که آزادی، عملکرد اقتصاد و به تبع آن رشد اقتصادی را رونق می‌بخشد، دیگران مدعی هستند که (دستیابی به) نرخ‌های رشد بالا مستلزم برقراری کنترلهای اقتصادی و محدود شدن آزادی است. در چهار مطالعه جدید مقطعی در زمینهٔ رشد اقتصاد، شواهدی دال بر آن به دست آمده است که فقدان آزادی‌های مدنی و سیاسی ارتباطی منفی با رشد اقتصادی دارد.[3] در تمامی این مطالعات، معیارهای گاستیل (R.D. Gastil) در مورد آزادی‌های مدنی یا حقوق سیاسی به‌کار رفته است.[4] اسکولی (G.W. Scully) در مورد ۱۱۵ اقتصاد مبتنی بر بازار طی دورهٔ ۸۰ـ۱۹۶۰ نتیجه می‌گیرد که جوامع باز سیاسی، که آزادی سیاسی، مدنی و اقتصادی را حرمت می‌نهند، با نرخی سه برابر (نرخ رشد) جوامعی که این آزادیها را محدود ساخته‌اند، رشد می‌یابند.

کورمندی (R.C. Kormendi) و مگوئیر (P. G. Meguire) در مورد نمونه‌ای مرکب از ۴۷ کشور دریافتند، کشورهای برخوردار از درجه بالایی از آزادی‌های مدنی نرخ رشدی دارند که در حدود یك درصد بیشتر از دیگر کشورهاست. گرایر (K.R. Grier) و تولوك (G. Tullock) نیز نتیجه گرفته‌اند که کشورهای سرکوبگر در آفریقا و آمریکا (از رشدی) در حدود ۱/۵ درصد کمتر از نرخ رشد سالیانه دیگر کشورهای مورد مطالعه آنها برخوردار بوده‌اند. نتایج بارو (R.G. Barro) با نمونه‌ای از ۹۸ کشور نیز مؤید آن است که محدودیت حقوق سیاسی با نرخ رشد سرانه پائینتری همراه است.

اخیراً نیز موضوع بی‌ثباتی سیاسی و رشد اقتصادی توسط برخی پژوهشگران مورد بررسی قرار گرفته است. بیشتر مطالعات تجربی، بی‌ثباتی سیاسی را مانع مهمی برای رشد اقتصادی دانسته‌اند چرا که

Jakob de Haan and Clemens L.J. Simermann. Univ. of Groningen. **Economic Development and Cultural Changes,** Jan. 1996. Vol. 44 No.2. PP. 339-350.

بی‌ثباتی سیاسی، عرضهٔ سرمایه و نیروی کار را کاهش می‌دهد. افزایش خطر از دست رفتن سرمایه، سرمایه‌گذاری را محدود ساخته و آشفتگی‌های سیاسی به خروج سرمایه و فرار مغزها می‌انجامد. همچنین ناآرامی سیاسی، برقراری نظام حقوق مالکیت را مختل می‌سازد. برقراری این حقوق لازمهٔ کسب منافع حاصل از مبادلات غیرشخصی به‌شمار می‌رود.

«بارو» برای سنجیدن بی‌ثباتی سیاسی در مدل مقطعی خود برای ۹۸ کشور طی دوره ۸۵ـ۱۹۶۰ دو متغیر را در نظر گرفت. این متغیرها یکی تعداد انقلاب‌ها و کودتاها در سال و دیگری تعداد قتل‌های سیاسی سالیانه به ازای هر یك میلیون نفر بود.[۵] او این متغیرها را از لحاظ تأثیرات نامساعدی که بر حقوق مالکیت دارند تفسیر نمود و دریافت که هر دو متغیر، تأثیر منفی قابل ملاحظه‌ای بر رشد اقتصادی دارند. فوسو (A.K. Fosu) اهمیت بی‌ثباتی سیاسی را برای ۳۱ کشور حاشیهٔ صحرای آفریقا از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۶ مورد بررسی قرار داد. او نتیجه‌گیری نمود که بطور معمول بی‌ثباتی سیاسی تأثیری زیان‌آور بر رشد اقتصادی دارد.[۶]

مایه تعجب فراوان است که بیشتر مطالعات مطرح شده تا اینجا، میان گروههای مختلف کشورها تمایزی قائل نمی‌شوند. نخستین هدف مقالهٔ حاضر آزمودنِ اعتبار روابط تجربی میان بی‌ثباتی سیاسی و آزادی سیاسی ـ که سایر محققان آن را برای کل جهان مورد سنجش قرار داده‌اند ـ در نواحی جغرافیایی کوچکتر است. دومین هدف، تحلیل این امر است که آیا نتایج برآوردهای پیش‌گفته به تعریف سنجه‌های بی‌ثباتی و آزادی سیاسی بستگی دارد یا نه. ما در پی آنیم تا با بررسی نمونه‌ای مرکب از ۹۷ کشور طی دورهٔ ۱۹۶۳ تا ۱۹۸۸ دریابیم که آیا بی‌ثباتی سیاسی و نبود آزادی سیاسی با رشد اقتصادی ارتباطی منفی دارد یا نه. در این بررسی شواهدی به دست آوردیم که نشان می‌دهد در آفریقا بی‌ثباتی سیاسی بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد. امّا این یافته‌ها چندان استوار نیستند، چرا که کاربرد دیگر سنجه‌های بی‌ثباتی سیاسی، این نتایج را کاملاً تغییر می‌دهد شواهدی دال بر وجود ارتباط منفی میان سرکوب سیاسی و توسعهٔ اقتصادی در آمریکای لاتین وجود دارد. امّا نشان خواهیم داد که این نتیجه‌گیری تا حد زیادی به نحوهٔ تدوین متغیر کنترل سیاسی وابسته است.

به اعتقاد کورمندی و مگوئیر سرکوب سیاسی عمدتاً از طریق نسبت سرمایه‌گذاری به درآمد (Investment - Income - Ratio (IIR بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد. سومین هدف این مقاله، تعمیم دادن مسیر پژوهشی بررسی‌های گذشته از طریق بررسی ارتباط میان ثبات سیاسی و آزادی سیاسی و نسبت سرمایه‌گذاری به درآمد (IIR) است. یافته‌های ما حاکی از آن است که شاخصهایی که برای بی‌ثباتی سیاسی می‌شناسیم در آفریقا و آسیا با نسبت سرمایه‌گذاری به درآمد رابطهٔ منفی دارد. شواهد آمیخته‌ای در دست است که نشان می‌دهد در آمریکای لاتین، سرکوب سیاسی می‌تواند مانع تشکیل سرمایه گردد.

مقالهٔ حاضر به شکل زیر سازماندهی شده است. بخش دوّم به بحث دربارهٔ مدل و اطلاعات ما اختصاص دارد. در بخش سوّم نتایج برآورد ارتباط میان بی‌ثباتی سیاسی و رشد اقتصادی ارائه می‌گردد. در بخش چهارم یافته‌های خودمان را در زمینهٔ تأثیر (متغیر) آزادی آورده‌ایم. در این قسمت به یافته‌های بارو نیز می‌پردازیم که براساس آنها وارد کردن همزمان متغیرهای بی‌ثباتی سیاسی و آزادی سیاسی در رابطه رگرسیون رشد به بی‌معنا شدن سنجهٔ آزادی‌های مدنی می‌انجامد. سرانجام بخش پنجم، به جمعبندی مقاله و ارائهٔ پیشنهادهایی برای مطالعات بعدی اختصاص دارد.

۲ـ مدل و داده‌های مطالعه

در بررسی ما اشکال مختلفی از معادله مقطعی زیر برآورد شده است:[۷]

(۱)

$$Q=a_0+a_1L+a_2K+a_3P+v$$

که در آن L,Q و K به ترتیب نرخهای متوسط رشد تولید ناخالص داخلی (GDP)، جمعیت و سرمایه و P معیاری برای بی‌ثباتی سیاسی یا فقدان آزادی سیاسی است و V نیز جمله خطا می‌باشد. انتظار می‌رود ضرایب a_1 و a_2 مثبت باشند حال آنکه بیشتر تحقیقات پیشین برمنفی بودن ضریب a_3 دلالت دارد.

برای دوره زمانی ۸۸ـ۱۹۶۳ آمارهای ناظر بر مجموعه‌ای از ۹۷ کشور را تدارك دیدیم. این نمونه کشورهای عمدهٔ صادرکننده نفت را شامل نمی‌شود. بالا بودن سرانهٔ تولید ناخالص داخلی (GDP) این کشورها ناشی از درآمدهای هنگفت حاصل از فروش منابع طبیعی است. میانگین نرخ رشد GDP واقعی را از شماره‌های سالهای ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ سالنامهٔ آمارهای مالی بین‌المللی از انتشارات صندوق بین‌المللی پول به دست آورده‌ایم.[۸] به پیروی از فوسو اطلاعات مربوط به نرخ رشد سرمایه به‌صورت درصدی از GDP که به طور میانگین صرف سرمایه‌گذاری ناخالص شده مورد محاسبه قرار گرفته است. این درصدها را از مجموعهٔ اطلاعاتی سامرز (R. Summers) و هستون (A. Heston) گرفته‌ایم.[۹] اطلاعات مربوط به نرخ رشد جمعیت نیز از همین منبع اخذ شده است.

معیار ما برای بی‌ثباتی سیاسی (TRNS) بر پایهٔ تعداد کل تغییرات دولت استوار است. این متغیر درصورتی که تعداد انتقال دولت از هفت بار فراتر رود (که میانهٔ تغییرات دولتها برای کشورهای نمونه ماست) مقدار یك را اختیار می‌کند و در غیر این‌صورت مقدار آن برابر صفر خواهد بود. برخلاف دیگر مطالعاتی که انتقال دولت را به‌عنوان شاخصی برای بی‌ثباتی سیاسی به‌کار برده‌اند ـ نظیر مطالعات ادواردز (S. Edwards) و تابلینی (G. Tabellini)ـ ما تعداد کل تغییرات دولت را بدین صورت به کار نمی‌بریم.[۱۰] ما دیگر معیارهای بی‌ثباتی سیاسی را نیز آزموده‌ایم، و شش مورد انتقال دولت (میانگین مربوط به آفریقا) و هشت مورد (میانگین مربوط به آمریکای لاتین) را شقوق جایگزین گرفته‌ایم. داده‌های مربوط به تغییرات دولتها برای دورهٔ ۱۹۶۳ تا

جدول یك
خلاصه نتایج متغیرهای مستقل و وابسته

	Q	K	L	ثبات سیاسی TRNS	آزادی سیاسی DPRI3	آزادی سیاسی DPRI4
میانگین:						
جهان (۹۷)	۴/۰	۱۸/۳	۲/۱	۰/۵۲	۰/۵۴	۰/۴۷
آفریقا (۳۷)	۳/۹	۱۳/۲	۲/۸	۰/۳۰	۰/۸۴	۰/۷۶
آمریکای لاتین (۲۳)	۳/۷	۱۶/۶	۲/۳	۰/۵۲	۰/۵۶	۰/۴۳
آسیا (۲۲)	۶/۲	۲۰/۶	۳/۰	۰/۵۹	۰/۶۸	۰/۶۸
انحراف معیار:						
جهان	۱/۹	۸/۸	۱/۵	۰/۵۰	۰/۵۰	۰/۵۰
آفریقا	۲/۲	۸/۴	۰/۵	۰/۴۶	۰/۳۷	۰/۴۳
آمریکای لاتین	۱/۶	۵/۶	۰/۸	۰/۵۱	۰/۵۱	۰/۵۱
آسیا	۳/۷	۹/۵	۱/۳	۰/۵۰	۰/۴۸	۰/۴۸
همبستگی جزئی بین				TRNS,DPRI3	TRNS,DPRI4	
بی‌ثباتی سیاسی و آزادی سیاسی:						
جهان				-۰/۲۴	-۰/۲۴	
آفریقا				-۰/۰۳	-۰/۰۴	
آمریکای لاتین				۰/۲۱	۰/۱۴	
آسیا				-۰/۱۷	-۰/۱۷	

توجه: تعداد کشورها در پرانتز ذکر شده است. L, K, Q به ترتیب نرخ رشد GDPواقعی، سرمایه (درصدی از GDP که سرمایه‌گذاری می‌شود) و جمعیت هستند. اگر تعداد تغییرات دولتها از هفت بیشتر باشد مقدار متغیر بی‌ثباتی سیاسی TRNS عدد یك و در غیر این صورت صفر خواهد بود. در مواردی که میانگین شاخص حقوق سیاسی گاستیل طی دوره ۸۶-۱۹۷۳ سه یا بیشتر باشد مقدار متغیر آزادی سیاسی DPRI3 عدد یك و در غیر این صورت صفر خواهد بود. برای متغیر DPRI4 متوسط چهار یا بیشتر به عنوان مرز تغییر (مقدار متغیر مجازی) تعیین شده است.

۱۹۷۷ از تیلر (C.L.Taylor) و جودایس (D. Jodice) گرفته شده است.[11] معیارهای ما برای بی‌ثباتی برای دورهٔ ۸۸-۱۹۷۸ از روی شماره‌های مختلف کتاب مرجع سیاسی جهان اثر بنکس (A.S. Banks) تدوین شده است.[12]

گاستیل دو معیار آزادی مدنی و آزادی سیاسی را برای آزادی تهیه کرده است. رتبه‌بندی کشورها از نظر حقوق مدنی شاخصی برای سنجش حقوق فردی (نظیر استقلال نظام قضایی و آزادی مطبوعات) است. رتبه‌بندی‌های کشورها از لحاظ حقوق سیاسی برپایهٔ میزان کنترلی استوار است که افراد کشور بر حکمرانان دارند. این معیار بر مبنای مسائلی همچون آزادی فرآیند انتخاباتی، وجود ارعاب مبتنی بر خشونت، و وجود یك گروه مخالف فعال استوار است. این شاخص از عدد یك (نمایندهٔ آزادترین کشور) تا هفت (نمایانگر محدودترین کشور) را شامل می‌شود. از آنجا که هر دو معیار آزادی بشدت با یکدیگر همبسته‌اند، در بخش چهارم تنها نتایج رگرسیون متغیرهای مجازی را که براساس شاخص حقوق سیاسی گاستیل است، آورده‌ایم.

اگر متوسط شاخص حقوق سیاسی گاستیل برای دورهٔ زمانی ۸۶-۱۹۷۳، سه یا بیشتر باشد مقدار متغیر مجازی DPRI3 یك و در غیر این صورت مقدار آن صفر خواهد بود. برای متغیر مجازی DPRI4 میانگین چهار به عنوان مرز تغییر (Cutoff Point) انتخاب شده است. با استفاده از این دو متغیر مجازی می‌توانیم حساسیت نتایج را نسبت به تبدیلات جایگزین (اینکه تعریف متغیر چه باشد) بررسی کنیم. در بخش چهارم نشان می‌دهیم که نتایج واقعاً نسبت به‌تعریف متغیر مجازی حقوق سیاسی حساس است.[13]

جدول ۱ خلاصه داده‌های ما را در بردارد. جالب اینکه واریانس بی‌ثباتی سیاسی در گروه‌های مختلف کشورهای مورد بررسی بسیار شبیه یکدیگر است. احتمالاً جز در آفریقا این مطلب در مورد معیارهای آزادی سیاسی نیز صادق است. بخش پائینی جدول ۱ ضرایب همبستگی جزئی میان معیارهایی را نشان می‌دهد که برای بی‌ثباتی سیاسی و آزادی سیاسی اتخاذ کرده‌ایم. از این بخش از جدول پیداست که این همبستگی کاملاً ناچیز است.

۳- بی‌ثباتی سیاسی و رشد اقتصادی

پیش از برآورد مدل، نخست باید با مشکلی که کورمندی و مگوئیر نشخیص داده‌اند مقابله نمائیم.[14] به باور ایشان اگر متغیر سیاسی - نهادی تنها از طریق نسبت سرمایه‌گذاری بر توسعهٔ اقتصادی اثر گذارد، افزودن متغیر رشد سرمایه این اثر را از میان خواهد برد. از این‌رو ما نیز با کنار گذاشتن سرمایه‌گذاری در تخمین مدل، از کورمندی و مگوئیر پیروی می‌کنیم. براساس پیشنهاد ایشان، ما نیز مدل‌های ساده‌ای را برای نسبت سرمایه‌گذاری به درآمد (IIR) برآورد نمودیم.

نتایج تخمین نسبت سرمایه‌گذاری به درآمد (IIR) در دومین قسمت این بخش آورده شده است.

سطر 1a در جدول ۲ نتایج برآورد معادله (۱) را که در آن از متغیر TRNS به عنوان معیار بی‌ثباتی سیاسی استفاده شده است برای کل نمونه ۹۷ کشوری ما نشان می‌دهد. خطاهای معیار این ضرایب براساس ماتریس سازگاری کوواریانس ناهمسانی وایت (White Heteroscedasticity - Consistent Covariance Matrix.) محاسبه شده است.[۱۵] بیشتر ضرایب در سطح ۱۰ درصد و بالاتر معنی‌دار هستند. ضریب متغیر بی‌ثباتی سیاسی منفی است امّا چندان بزرگ نیست. حذف متغیر سرمایه‌گذاری بزرگی آن را تنها اندکی افزایش می‌دهد. (سطر 1b).

ما این مدل را برای سه قاره آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا برآورد نموده‌ایم. بی‌ثباتی سیاسی در آفریقا به‌عنوان یك عامل بسیار مهم در تعیین رشد اقتصادی جلوه می‌کند. (سطرهای 2a و 2bاز جدول ۲). فوسو نیز در مورد نمونه خود که مرکب از ۳۱ کشور حاشیه صحرای آفریقا طی دورهٔ ۸۶-۱۹۶۰ بود دریافت که بی‌ثباتی سیاسی بشدت رشد اقتصادی را مختل می‌نماید. امّا چنانچه معیارهای دیگری برای بی‌ثباتی سیاسی به‌کار رود نتایج بنحو قابل ملاحظه‌ای تغییر خواهد کرد.

برای نمونه، استفاده از TRNS6 به نتایج زیر می انجامد ـ این متغیر اگر تعداد انتقال دولت از شش فراتر باشد مقدار یك را اختیار می‌کند و در غیر این‌صورت مقدار آن صفر خواهد بود. (مقدار ۶ برابر متوسط تعداد انتقال دولت در آفریقاست)؛

$$Q = ۰/۴۲ + ۰/۰۹K + ۰/۹۱L - ۰/۵۱\,TRNS6 \qquad (۲)$$
$$(۱/۵)\quad (۰/۰۵)\quad (۰/۴۸)\quad (۰/۵)$$

$$R^۲ = ۰/۳۷ \qquad SEE = ۱/۲۸$$

ضریب TRNS در آمریکای لاتین قابل توجه نیست. (سطر 3aاز جدول ۲). این نتایج با حذف متغیر سرمایه‌گذاری تغییری نمی‌کند (سطر 3b). ضریب معیار بی‌ثباتی سیاسی ما در آسیا تقریباً صفر است. (سطر 4a).[۱۶] به خاطر داشته باشید که با خارج ساختن متغیر سرمایه‌گذاری میزان بزرگی ضریب TRNS افزایش می‌یابد و این نشان می‌دهد که شاید بی‌ثباتی سیاسی از طریق نسبت سرمایه‌گذاری به‌درآمد بر رشد تأثیر می‌گذارد. با به کارگیری دیگر معیارهای مربوط به‌بی‌ثباتی سیاسی نیز این یافته‌ها تغییری نخواهد کرد.

نتیجه اینکه، یافته‌های ما تا حدودی مؤید این دیدگاه است که بی‌ثباتی سیاسی بطور مستقیم رشد اقتصادی را در آفریقا محدود می‌سازد ولی در آمریکای لاتین و آسیا چنین تأثیری ندارد. بنابراین، براساس نتایج ما ارتباط تجربی میان عملکرد اقتصادی و بی‌ثباتی

جدول ۲

نتایج رگرسیون: بی‌ثباتی سیاسی و رشد اقتصادی ۸۸-۱۹۶۳

رگرسیون	مقدار ثابت	K	L	TRNS	$R^۲$ تعدیل شده	SEE
تمامی کشورها:						
(1a)	۲/۱۳*	۰/۰۷*	۰/۴۵**	۰/۵۵	۰/۰۹	۱/۷۹
	(۰/۸۸)	(۰/۰۳)	(۰/۲۴)	(۰/۳۶)		
(1b)	۳/۹۲*	...	۰/۱۸	-۰/۶۵	۰/۰۳	۱/۸۵
	(۰/۴۸)	...	(۰/۱۷)	(۰/۳۹)		
آفریقا:						
(2a)	۰/۷۷	۰/۰۸	۰/۹۰*	-۱/۳۳*	۰/۲۳	۱/۹۶
	(۱/۴۵)	(۰/۰۵)	(۰/۴۴)	(۰/۵۲)		
(2b)	۱/۰۹	...	۱/۲۰*	-۱/۷۷	۰/۱۸	۲/۰۲
	(۱/۴۹)	...	(۰/۵۸)	(۰/۶۴)		
آمریکای لاتین:						
(3a)	۱/۳۰	۰/۰۳	۰/۹۳**	-۰/۳۴	۰/۱۰	۱/۵۳
	(۱/۶۰)	(۰/۰۶)	(۰/۵۰)	(۰/۶۱)		
(3b)	۱/۸۵	...	۰/۹۲**	-۰/۴۴	۰/۱۴	۱/۵۰
	(۱/۳۳)	...	(۰/۴۹)	(۰/۶۳)		
آسیا:						
(4a)	۵/۵۶	۰/۰۶	۰/۱۳	-۱/۷۲	-۰/۰۴	۳/۷۳
	(۳/۹۳)	(۰/۱۲)	(۱/۰۰)	(۲/۱۴)		
(4b)	۷/۰۷*	...	۰/۱۴	-۲/۲۲	-۰/۰۱	۳/۶۸
	(۲/۵۸)	...	(۱/۰۰)	(۱/۷۵)		

توجه: مدل مورد تخمین معادله (۱) است که در آن معیار ما برای بی‌ثباتی سیاسی (TRNS)، تعداد انتقال دولت است. اگر تعداد انتقال دولت از هفت بار بیشتر باشد مقدار این متغیر یك خواهد بود و در غیر این صورت مقدار صفر را اختیار می‌کند. برای توضیح در مورد سایر متغیرها به بخش دوم مقاله مراجعه کنید.

خطاهای معیار رگرسیون (SEE) در پرانتز آورده شده است.

* در سطح ۵ درصد (یك طرفه) معنی‌دار است.

** در سطح ۱۰درصد (یك طرفه) معنی‌دار است.

جدول ۳

نتایج رگرسیون: بی‌ثباتی سیاسی و نسبت سرمایه‌گذاری به درآمد (IIR) ۸۸-۱۹۶۳

رگرسیون	مقدار ثابت	TRNS	R^2 تعدیل شده	SEE
(۱) تمامی کشورها	۱۸/۳۰*	۰/۰۰	-۰/۰۱	۸/۸۷
	(۱/۳۱)	(۱/۸۰)		
(۲) آفریقا	۱۴/۸۵*	-۵/۹۹*	۰/۰۹	۷/۶۷
	(۱/۵۷)	(۲/۱۷)		
(۳) آمریکای لاتین	۱۸/۳۸*	-۳/۴۷	۰/۰۶	۵/۶۴
	(۱/۴۸)	(۲/۲۶)		
(۴) آسیا	۲۵/۳۲*	-۸/۸۲*	۰/۱۷	۸/۸۸
	(۳/۶۵)	(۴/۱۳)		

توجه: مدل، متغیر IIR را به صورت $IIR = a_1 + a_2\ TRNS + e$ برآورد می‌نماید. خطاهای معیار رگرسیون (SEE) در پرانتز آمده است.

* در سطح ۵ درصد (یك طرفه) معنی‌دار است.

سیاسی که بطور معمول در سطح جهانی اندازه‌گیری می‌شود، تنها می‌تواند در سطح نواحی جغرافیایی کوچکتر (و نه کل جهان) معتبر باشد. از این گذشته، نتایج نسبت به (نحوهٔ) تعریف معیار بی‌ثباتی نیز حساس است.

کورمندی و مگوئیر دریافته‌اند که میان بزرگی نسبت سرمایه به درآمد و متغیر سیاسی ـ نهادی همبستگی شدیدی وجود دارد. ما نیز با برآورد مدلهای ساده‌ای برای نسبت سرمایه‌گذاری به درآمد (IIR) این مسیر تحقیق را دنبال می‌کنیم. به پیروی از کورمندی و مگوئیر مدلی را برای IIR برآورد می‌کنیم که در آن تنها متغیر توضیح دهنده، متغیر نمایندهٔ بی‌ثباتی سیاسی باشد. جدول ۳ نتایج این برآورد را ارائه می‌نماید. نتایج با آنچه در جدول ۲ آمده است، سازگار است. از جدول ۳ چنین پیداست که بی‌ثباتی سیاسی در آفریقا و آسیا با نسبت سرمایه‌گذاری به درآمد (IIR) ارتباطی منفی دارد. این نتایج نسبت به تعریف متغیر بی‌ثباتی سیاسی حساس نیست.

استفاده از دیگر مرزهای تغییر (متغیر مجازی) در تعریف معیارهای ثبات سیاسی، نتایج ما را دگرگون نمی‌سازد. یافته‌های ما دلالت برآن دارد که بی‌ثباتی سیاسی در آفریقا و آسیا به طرق غیر مستقیم بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارد.

۴ـ آزادی سیاسی و رشد اقتصادی

نخستین سطر جدول ۴ نتایج برآورد ما برای کل نمونه ۹۷ کشور را با استفاده از متغیر DPRI3 برای تمایز گذاشتن میان کشورها از نظر آزادی سیاسی ارائه می‌نماید.[۱۷] هر چند ضریب DPRI3 منفی است امّا مقدار آن بسیار به صفر نزدیك است.

کورمندی و مگوئیر در رگرسیون خود برای شاخص آزادی مدنی گاستیل برای ۴۷ کشور به یك ضریب منفی (اندکی معنی‌دار) رسیدند. امّا نتایج آنها تا حد زیادی بر حذف آگاهانه نسبت سرمایه‌گذاری به‌درآمد مبتنی بود و دلالت بر آن داشت که آزادی مدنی از طریق سرمایه‌گذاری بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارد.

در واقع با حذف متغیر سرمایه‌گذاری، هم ضریب DPRI3 و هم میزان معنی‌دار بودن آن افزایش می‌یابد، هرچند این ضریب (از نظر آماری) همچنان بی‌معنی خواهد بود. (سطر 1b) این مطلب حکایت از آن دارد که سرکوب سیاسی می‌تواند نرخ رشد را از طریق اثرگذاری بر تشکیل سرمایه، تحت تأثیر قرار دهد. ذیلاً شواهد دیگری در تأیید این فرضیه ارائه می‌نمائیم.

سطرهای دوّم تا چهارم جدول ۴ به ترتیب نتایج مربوط به آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا را نشان می‌دهد. از این اطلاعات چنین برمی‌آید که درصورت لحاظ نمودن متغیر سرمایه‌گذاری، نتایج قاره‌ها با نتایج کل نمونه تفاوت آشکاری دارد زیرا در این صورت ضریب DPRI3 هرگز منفی نبوده و بطور معنی‌داری غیر صفر است.

جدول ۵ مدل تخمینی IIR را ارائه می‌دهد، که در آن به پیروی از کورمندی و مگوئیر یك ضریب ثابت و نیز DPRI3 تنها متغیرهای توضیح دهنده است. نتایج با جدول ۴ کاملاً سازگار است. تنها در مورد کل نمونه، شواهدی دال بر ارتباط منفی میان IIR و متغیر نمایندهٔ آزادی سیاسی وجود دارد.

برای اینکه از حساسیت یافته‌هایمان نسبت به چگونگی تدوین متغیر مجازی آزادی سیاسی آگاه گردیم، تمامی معادلات جداول ۴ و ۵ را با استفاده از یك متغیر مجازی DPRI4 مجدداً برآورد نمودیم. این متغیر مجازی به جای انتخاب عدد ۳ برای مرز تغییر، مقدار ۴ را (براساس شاخص گاستیل) برای مرز تغییر در نظر می‌گیرد. باوجود این باز به نتایج مشابهی دست می‌یابیم. (که در اینجا آورده نشده

است). امّا نتایج برای آمریکای لاتین به نحو قابل ملاحظه‌ای تغییر می‌یابد. معادلهٔ رشد به‌صورت زیر خواهد بود:

$$Q=3/45-0/03K+0/64L-1/76\,DPRI4 \quad (3)$$
(1/48) (0/03) (0/42) (10/60)

$$R^2=0/37 \qquad SEE=1/28$$

سرانجام اینکه، تمامی معادلات جداول ۴ و ۵ را با افزودن معیارهای بی‌ثباتی سیاسی و آزادی مدنی بطور همزمان از نو برآورد نمودیم. بارو دریافت که در چنین مواردی متغیر آزادی‌های مدنی اهمیت خود را در رگرسیون رشد از دست می‌دهد. برای کل نمونهٔ ما معادلات به‌صورت زیر خواهد بود:

$$Q=2/38+0/06K+0/60L-0/66\,TRNS-0/69DPRI3 \quad (4)$$
(0/85) (0/03) (0/27) (0/36) (0/53)

$$R^2=0/11 \qquad SEE=1/77$$

و

$$IIR=23/09-1/74\,TRNS-7/27^{*}DPRI3$$
(1/49) (1/62) (1/58)

$$R=0/14 \qquad SEE=8/17$$

ضریب و (میزان) معنی‌دار بودن DPRI3 به ترتیب با ارقام جداول ۴ و ۵ شباهت بسیار دارد. در واقع، در معادلات مربوط به رشد و IIR برای دیگر گروه کشورها معنی‌دار بودن DPRI3 همان گونه است که در جداول ۴ و ۵ آمده است. (نتایج در اینجا آورده نشده است). از این‌رو، افزودن همزمان معیارهای ثبات سیاسی و آزادی سیاسی در نتیجه گیری ما تغییری ایجاد نمی‌کند.

نتیجه اینکه، گروههای منطقه‌ای خودمان را چندان مؤید دیدگاهمان دایر بر تأثیر منفی سرکوب سیاسی بر رشد اقتصادی نیافته‌ایم. تنها در مورد آمریکای لاتین شواهد حاکی از آن است که سرکوب سیاسی رشد اقتصادی را محدود می‌کند امّا (حتی) این نتیجه‌گیری نیز نسبت به نحوهٔ تعریف متغیر سرکوب سیاسی تا حدود زیادی حساس است. در آسیا سرکوب سیاسی و رشد اقتصادی با یکدیگر ارتباط مثبت دارند. از این نظر هم، میان نتایج کل نمونه کشورها و نواحی جغرافیایی کوچکتر، تفاوتهای ملموسی وجود دارد.

۵ـ خلاصه و پیشنهاداتی برای مطالعات بعدی

این مقاله سه هدف را دنبال می‌کند: نخست آزمون اینکه آیا در مورد نواحی جغرافیایی کوچکتر نیز همان ارتباط تجربی میان بی‌ثباتی

جدول ۴

نتایج رگرسیون: آزادی سیاسی و رشد اقتصادی ۸۸ـ۱۹۶۳

رگرسیون	مقدار ثابت	K	L	DPRI3	R^2 تعدیل شده	SEE
همه کشورها:						
(1a)	1/77*	0/06*	0/64*	-0/55	0/09	1/79
	(0/87)	(0/03)	(0/28)	(0/54)		
(2b)	3/43*		0/46	-0/77	0/03	1/85
	(0/34)		(0/26)	(0/56)		
آفریقا:						
(2a)	1/19	0/10*	0/91*	-1/40	0/21	1/98
	(1/32)	(0/05)	(0/49)	(1/13)		
(2b)	1/31		1/35*	-1/39	0/09	2/13
	(1/38)		(0/58)	(1/29)		
آمریکای لاتین:						
(3a)	1/94	0/02	0/88**	-0/92	0/18	1/46
	(1/78)	(0/06)	(0/46)	(0/71)		
(3b)	2/27		0/87**	-0/96	0/22	1/43
	(1/28)		(0/44)	(0/61)		
آسیا:						
(4a)	3/97	0/08	-0/41	2/68**	0/02	3/63
	(3/39)	(0/11)	(0/99)	(1/37)		
(4b)	5/58*		-0/48	2/99**	0/03	3/61
	(2/24)		(1/00)	(1/27)		

توجه: مدل مورد تخمین معادلهٔ (۱) است که در آن معیار DPRI3 به عنوان معیار آزادی سیاسی به کار رفته است. خطاهای معیار رگرسیون (SEE) در پرانتز نشان داده شده است.

* در سطح ۵ درصد (یك طرفه) معنی دار است

** در سطح ۱۰ درصد (یك طرفه) معنی‌دار است.

جدول ۵

نتایج رگرسیون: آزادی سیاسی و نسبت سرمایه‌گذاری به درآمد ۸۸-۱۹۶۳

رگرسیون	ضریب ثابت	DPRI3	R^2تعدیل شده	SEE
(۱) تمامی کشورها	۲۱/۹۷*	-۶/۸۵*	۰/۱۴	۸/۱۷
	(۱/۰۷)	(۱/۶۴)		
(۲) آفریقا	۱۲/۸۷*	۰/۳۹	-۰/۰۳	۸/۱۴
	(۲/۹۱)	(۳/۲۴)		
(۳) آمریکای لاتین	۱۸/۱۳*	-۲/۷۵	۰/۰۲	۵/۵۷
	(۰/۹۷)	(۲/۱۵)		
(۴) آسیا	۱۸/۶۴*	۱/۸۸	-۰/۰۴	۹/۹۲
	(۳/۴۵)	(۴/۳)		

توجه: مدل تخمینی $IIR = a_1 + a_2 DPRI3 + e$است.

خطاهای معیار رگرسیون (SEE) در پرانتز نوشته شده است.

* در سطح ۵درصد (یك طرفه) معنی‌دار است.

سیاسی و آزادی ،سیاسی و رشد اقتصادی که بطور معمول در سطح کل جهان سنجیده شده است وجود دارد یا نه. دوّم تحلیل اینکه آیا نتایج برآورد نسبت به نحوهٔ تدوین یا تعریف معیارهای بی‌ثباتی سیاسی و آزادی حساس است. و سوّم تحقیق در مورد ارتباط میان ثبات سیاسی و آزادی سیاسی و تشکیل سرمایه به منظور تعیین اینکه آیا متغیر سیاسی - نهادی از طریق نسبت سرمایه‌گذاری بر توسعه اقتصادی تأثیر می‌گذارد یا نه.

ما با استفاده از داده‌های ۹۷ کشور طی دورهٔ زمانی ۸۸-۱۹۶۳ این مطلب را آزمودیم که آیا فقدان ثبات سیاسی و نبود آزادی سیاسی با رشد اقتصادی رابطهٔ منفی دارد یا نه. ما یك مدل مقطعی از یك تابع تولید سادهٔ نوکلاسیك را برآورد نمودیم. معیار ما برای بی‌ثباتی سیاسی تعداد دفعات انتقال دولت بود. دو متغیر مجازی مبتنی بر شاخص حقوق سیاسی گاستیل را برای اندازه‌گیری آزادی سیاسی به‌کار بردیم. نخستین نتیجه اینکه نتایج گروه کشورها در نواحی جغرافیایی مختلف غالباً با یکدیگر تفاوتی آشکار دارد. دریافتیم که این دیدگاه که بی‌ثباتی سیاسی هم به طریق مستقیم و هم از راه تأثیر بر رشد سرمایه سبب کاهش رشد اقتصادی می‌گردد تنها در آفریقا به شکل قابل تأملی تأیید می‌شود. امّا نتایج مربوط به معادلهٔ رشد برای آفریقا نسبت به(تغییر) تعریف معیار بی‌ثباتی سیاسی حساس‌تر است. در آسیا، شواهدی دال بر اینکه بی‌ثباتی سیاسی، سرمایه‌گذاری را مختل می‌سازد وجود دارد. شواهد قابل تأملی نیز مبنی بر اینکه در آمریکای لاتین سرکوب سیاسی از رشد اقتصادی می‌کاهد وجود دارد، امّا این نتیجه تا حدود زیادی به نحوهٔ تدوین متغیر سرکوب سیاسی بستگی دارد. در آسیا سرکوب سیاسی و رشد اقتصادی با یکدیگر رابطه‌ای مثبت دارند.

موضوع مهمی که در این مقاله به آن نپرداخته‌ایم رابطهٔ علّی است.به پیروی از نوشته‌های اخیر، ما تخمین‌های خودمان را بر این پیش‌فرض استوار ساختیم که احتمالاً بی‌ثباتی و سرکوب سیاسی، رشد اقتصادی را مختل می‌سازد. امّا ممکن است رابطهٔ علّی از آن سو برقرار باشد: به این معنی که چه بسا نتایج رشد اقتصادی بر ثبات سیاسی تأثیر گذارد. برای نمونه، منکوراولسون (Mancur Olson) ادعا می‌کند:

> در هر نظام اقتصادی رشد سریع اقتصادی لزوماً با تغییرات سریع و بنیادین در روش‌های انجام امور، در محلهای انجام امور و در توزیع قدرت و منزلت اجتماعی همراه خواهد بود. بیشتر مردم چنان بخش بزرگی از زمان کاری خود را صرف کسب درآمد می‌کنند و چنان بخش بزرگی از موقعیت اجتماعی و نفوذ سیاسی آنان از موقعیت اقتصادی‌شان نشأت می‌گیرد که تغییر نظم اقتصادی لزوماً تأثیر عمده‌ای بر سایر جنبه‌های زندگی خواهد داشت... بنابراین تا زمانی که تحقیقات دیگری صورت پذیرد باید فرض را بر این بگذاریم که رشد سریع اقتصادی گاه می‌تواند یك نیروی در هم شکننده و ثبات‌زدا باشد و به بی‌ثباتی سیاسی بینجامد.[۱۸]

آشکار است که نتایج ارائه شده در مقالهٔ حاضر دیدگاه اولسون را تأیید نمی‌کند چرا که حتی اگر همبستگی معنی‌داری هم وجود داشته باشد، میان نرخ رشد اندك و بیّ ثباتی سیاسی است. با این حال احتمال دارد عملکرد ناموفق در زمینهٔ رشد به بی‌ثباتی سیاسی بینجامد. مطالعات آتی باید به این موضوع بپردازند.

در این مقاله مدل رشد بسیار ساده‌ای را برای ارزیابی تأثیر بی‌ثباتی سیاسی و فقدان آزادی بر رشد اقتصادی بکار بردیم. ضروری است تا در مطالعات بعدی مدلهای پیچیده‌تر رشد و سرمایه‌گذاری برای آزمودن

استواری یافته‌های ما به‌کار برده شود.

● پی نوشتها

1. David Marquand, «Political Institutions and Economic Performance», in **Government and Economies in the Postwar World,** ed. Andrew Graham and Anthony Seldon (London: Routledge, 1990).

2. Larry Sirowy and Alex Inkeles, «The Effects of Democracy on Economic Growth and Inequality: A Review», **Studies in Comparative International Development** 25, No.1 (Spring 1990): 126-57.

3. Gerard W. Scully, «The Institutional Framework and Economic Development», **Journal of Political Economy** 96 (Oct 1988): 652-62; Roger C. Kormendi and Philip G. Meguire, «Macroeconomic Determinants of Growth: Cross - Country Evidence», **Journal of Monetary Economics** 16, No.2 (Sept. 1985): 141-63; Kevin B. Grier and Gordon Tullock, «An Empirical Analysis of Cross - National Economic Growth, 1951- 80», **Journal of Monetary Economics** 24 (Aug 1989): 259-76; and Robert J. Barro, «A Cross - Country Study of Growth, Saving and Government», Working Paper no. 2855 (National Bureau of Economic Research, Cambridge, Mass, Feb. 1989).

4. Raymond D. Gastil, **Freedom in the World** (Oxford: Clio), Various vols.

برای بحثی در زمینه این داده‌ها به بخش دوّم (مقاله) نگاه کنید.

5. Barro, pp. 21-22.

6. Augustin Kwasi Fosu, «Political Instability and Economic Growth: Evidence from Sub - Saharan Africa», **Economic Development and Cultural Change** 40 (July 1992): 829-41.

۷. این مدل به آنچه که فوسو به کار برده است شباهت بسیار دارد. او نیز صادرات را به عنوان یك متغیر توضیحی وارد مدل خود نموده است. امّا افزودن صادرات در یك تابع تولید جمعی شاید محل تردید باشد. ما از توجیه نظری قابل پذیرشی برای این روش آگاه نیستیم و از این‌رو صادرات را وارد مدل خود نکرده‌ایم. به پیشنهاد یکی از داوران، مدل را با استفاده از نرخ رشد سرمایه‌گذاری منهای نرخ رشد جمعیت برآورد نمودیم تا همبستگی متغیرهای دست راست را در نظر گرفته باشیم. امّا این مسئله بر نتایج عمومی ما تأثیری نداشت.

8. International Monetary Fund, **International Financial Statistics Yearbook** (Washington, D.C: IMF, 1990 and 1991), vols. 43 and 44.

9. R. Summers and A. Heston, «The Penn World Table (Mark 5): An Expanded Set of International Comparisons, 1950-1988», **Quarterly Journal of Economics** 106 (May 1991): 2327-68.

10. Sebastian Edwards and Guido Tabellini, «Explaining Fiscal Policies and Inflation in Development Countries», **Journal of International Monetary and Finance** 10, Suppl. (1991): S16-S48.

ما همچنین یك مدل دو بخشی براساس تعداد انتقالات غیرمعمول دولتها (کودتا) تدوین کردیم ولی از آنجا که این متغیر نیز نتایج قبل را حاصل آورد، آنها را در اینجا ارائه نکرده‌ایم.

11. C. L. Taylor and D. Jodice, **World Handbook of Social and Political Indicators** (New Haven, Conn.: Yale University Press, 1983).

12. Arthur S. Banks, **Political Handbook of World** (New York: Mc Graw - Hill), Various issues.

۱۳. با مبنا قرار دادن عدد ۵ به عنوان مرز تغییر نیز مدل را سنجیدیم امّا این نیز ما را به نتایج مشابه مدل PRI4 رسانید.

14. Kormendi and Meguire (n.3 above), p. 46.

15. H. White, «A Heteroskedasticity - Consistent Covariance Matrix Estimator and a Direct Test for Heteroskedasticity», **Econometrica** 48 (May 1980): 814-38.

۱۶. باید مطابقت بسیار ضعیف مدل برای آسیا را به یاد داشت. این مدل آشکارا توان تبیین الگوهای توسعهٔ بشدت واگرا در آسیا را ندارد. متغیرهای مجازیِ کشوریِ متعددی را به‌منظور بهبود تطبیق مدل به کار بردیم امّا نتایج اصلی در مورد معنی‌دار بودن ضریب TRNS تغییری نکرد.

۱۷. برای جزئیات بیشتری دربارهٔ تدوین این متغیر مجازی به بخش دوّم مقاله نگاه کنید.

18. Mancur Olson, «Rapid Economic Growth as a Destabilizing Force», **Journal of Economic History** 23 (1963) 519-52 quote on 550.